

اثر خلق بر عملکرد سیستم حافظه

محمد مهدی حسن شاهی^۱، دکتر محمد علی گودرزی^۲

^۱ کارشناس ارشد روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان- دانشکده روان شناسی عمومی و بالینی

^۲ دکترای روان پزشکی بالینی، دانشگاه شیراز

خلاصه

مقدمه: در پژوهش حاضر، اثر خلق بر عملکرد حافظه در قالب یک طرح مقدماتی آزمایشی مورد بررسی قرار گرفت. فرض پژوهش حاضر بر این مبنا استوار بود که خلق مسلط (اختلال افسردگی یا خلق القا شده مثبت یا منفی) اثرات هماهنگ با خود را بر عملکرد آزمودنی در تکالیف ارائه شده خواهد گذاشت.

مواد و روش ها: برای بررسی این فرض، یک گروه ۸ نفری از افراد افسرده مراجعه کننده به مرکز مشاوره و درمان درمانگاه امام رضا (ع) ارسنجان، و ۲۴ نفر از افراد جمعیت عمومی شهر ارسنجان (در سه گروه القای خلق مثبت، منفی و کنترل) با استفاده از پرسشنامه افسردگی بک انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: نتایج به دست آمده، هماهنگ با فرضیه های ارائه شده معتقد است، ساختارهای پردازش عاطفی محرک ها اثر تسهیلی دارند و تفاوت گروه ها در یادآوری تکالیف ارائه شده با اطمینان بالایی پذیرفته شده است.

واژگان کلیدی: خلق، اختلال افسردگی، خلق القا شده، عملکرد سیستم حافظه

مقدمه

در حافظه، ارتباط پیدا کند تا قابل ارزشیابی شود شود، یا پاسخ عاطفی ویژه ای را برانگیزد. لازاروس^۲ معتقد است که عاطفه از چگونگی ارزیابی شناختی فرد از پیامد ناشی می شود و عواطف منفی و ناخوشایند زمانی ایجاد می شوند که رویداد اتفاق افتاده، به شکل آسیب رسان یا تهدید کننده، ارزیابی گردد و در کارآیی منابع مقابله ای موجود، تردید وجود داشته باشد. به نظر او و سایر نظریه پردازان شناختی، عواطف، واکنش های در حال نوسانی می باشند، که به طور مداوم تحت تاثیر طرز تفکر و شناخت فرد قرار می گیرند (۱).

بروین^۳ (۱۹۸۸ ترجمه علیلو، ۱۳۷۶)، در مورد رابطه فرآیندهای شناختی و هیجان اعلام می دارد:

عاطفه و شناخت^۱ و تاثیرات متقابل آنها از موضوعات مهمی است که در سال های اخیر تحقیقات زیادی در مورد آنها انجام شده است. نظریه های شناختی عاطفه فرض می کنند که محرک یا موقعیت، نخست بایستی مورد توجه قرار گیرد، شناسایی و طبقه بندی شود و با تجارب قبلی ذخیره شده

محمد مهدی حسن شاهی، و همکار

کارشناس ارشد روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان،

دانشکده روان شناسی عمومی و بالینی

-

پست الکترونیک: hassanshahi_mehdi @ yahoo.com

آدرس: ارسنجان، بلوار سپاه پاسداران، کوچه اول شمالی، پلاک ۲۴۸

2-Lazarus

3-Brewin

1-Affect and cognition

افرادی چون شاختر (۱۹۶۴) به نقل از بروین (۱۹۸۸)، ترجمه علیلو (۱۳۷۶)^۲، لازاروس^۳ (۱۹۶۶) به نقل از بروین (۱۹۸۸)، ترجمه علیلو (۱۳۷۶)، بک^۴ (۱۹۷۱) به نقل از بروین (۱۹۸۸)، ترجمه علیلو (۱۳۷۶) پس شناختی بودن عاطفه را مطرح کرده اند، در حالی که گروه دوم بر تأثیر پردازش عاطفه مسلط و جاری بر پردازش های شناختی تأکید داشتند. زایونگ^۵ نیز پیشنهاد کرد که دو نظام موازی و نسبتاً مستقل برای پردازش شناختی و عاطفی وجود دارد (۳). نظریه دو عاملی شاختر (۱۹۶۴) به نقل از بروین (۱۹۸۸)، ترجمه علیلو (۱۳۷۶)، بیان می کند که تجربه عاطفه بستگی به ارتباط دو عامل دارد: الف- ادراک برانگیختگی فیزیولوژیکی محیطی ب- برچسبی که به آن برانگیختگی زده می شود و پاسخ ویژه عاطفی از طریق ارزیابی شناختی منع شناختی برانگیختگی صورت می پذیرد. به نظر وی، تجربه برانگیختگی باعث می شود تا فرد به جستجوی علت مناسب پردازد و عاطفه وقتی تجربه خواهد شد که نشانه های محیطی متناسب با برانگیختگی وجود داشته باشند. اما شواهد نشان می دهند که برانگیختگی فیزیولوژیکی برای تجربه حالت عاطفی شرط لازم و ضروری نیست و بدون برانگیختگی فیزیولوژیکی هم می توان عاطفه را تجربه کرد (۲). بک و سایر نظریه پردازان شناختی بر نقش کلیدی فرایندهای میانجی شناختی در واکنش فرد افسرده به محرک های طبیعی تأکید می کنند. ماهیت این نظریه این است که بعضی افراد برای ابتلاء به اختلالات اضطرابی و افسردگی آسیب پذیرتر از سایر افراد هستند، و این آسیب پذیری به شکل گیری طحوااره های معین یا ساختار های سازمان یافته دانشی^۵ بستگی دارد. بک و کلارک (۱۹۸۸)، فرض کردند که طحوااره ها، بسیاری

«از لحاظ نظری، فرآیندهای شناختی، همچون توجه، بازشناسی و فراموشی، بایستی قادر باشند که با کمترین و یا بدون همراهی عاطفه، صورت پذیرند، به طوری که مواد پردازش شده معنای عاطفی ویژه ای برای شخص نداشته باشد».

اما نظریه های شناختی هیجان فرض می کنند که یک محرک یا موقعیت، نخست بایستی مورد توجه قرار گیرد، شناسایی و طبقه بندی گردد و سپس با تجارب قبلی ذخیره شده در حافظه ارتباط برقرار نماید تا بتواند مورد ارزشیابی قرار گرفته و یا پاسخ هیجانی ویژه ای را برانگیزاند. بنابراین روان شناسی بالینی نیازمند نظریه هایی است که بتواند بیان کند، چگونه حالت های عاطفی، به ویژه هیجان های پریشان کننده ایجاد می شوند و چگونه می توان آنها را تغییر داد. به دنبال مطرح شدن نظریه های شناختی، عده ای با توجه به عاطفی بودن برخی اختلالات و تبیین های شناختی که از آنها به عمل می آمد، بر آن شدند تا نقش عواطف را در تفکر و قضاوت و شناخت های افراد بررسی کنند و همین موضوع عاطفه و شناخت و تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر، پیکره وسیعی از تحقیقات و پژوهش ها را به خود اختصاص داد و با تداوم این تحقیقات نظریه های مختلفی در حیطه روان شناسی شناختی به ظهور رسید (۲).

آیزنک^۱ (۲۰۰۰)، بیان می کند که «اگرچه بسیاری از روان شناسان شناختی تحت تأثیر شبیه سازی کامپیوتری و الگوهای پردازش اطلاعات از بررسی رابطه بین هیجان و شناخت غفلت کردند، اما علی رغم این نگرش منفی، تعداد تحقیقات در مورد رابطه ی شناخت و هیجان در حال افزایش بود که منجر به شکل گیری سه دسته از نظریات گردید».

^۱. Eysenck

^۲. Lazarus

^۳. Beck

^۴. Zajonc

^۵. Organized knowledge Structure

از پردازش های شناختی (مانند توجه، ادراک، یادگیری و...) را تحت تأثیر قرار می دهند.

طرحواره ها موجب سوگیری در پردازش اطلاعات^۱ می شوند و اطلاعات هماهنگ با طرحواره و هیجان مورد پردازش قرار می گیرد.

پس طرحواره ها سوگیری توجه ایجاد می کنند، به طوری که اطلاعات مطابق با هیجان یا همسان با طرحواره تایید شود. به طور خلاصه، در این دیدگاه فرض بر این است که افراد افسرده، درون دادهای محیطی را طوری تحریف می کنند که هماهنگ با نتیجه گیری های منفی درونی شان باشد و در این راه اطلاعات ناهماهنگ با سازمان شناختی مسلط را حذف یا تحریف می کنند (۴).

بر این اساس، سوگیری حافظه افراد افسرده ناشی از وجود الگوهای منفی شناختی و وجود نوعی نقص در فرایند پردازش اطلاعات است. به طور خلاصه به نظر می رسد، خلق به دوطریق برحافظه تاثیر می گذارد:

۱) برانتخاب اطلاعات دارای بار عاطفی متفاوت برای ورود به هشیاری تاثیر می گذارد و ۲) پس از ورود این اطلاعات به هشیاری، ادراک آنها را به صورت خوشایند یا ناخوشایند تحت تاثیر قرار می دهد (۴). همچنین از میان اشکال متنوع تاثیر خلق بر حافظه می توان دو پدیده یادگیری وابسته به حالت و اثرات هماهنگی خلقی طی مراحل رمزگردانی یا یادآوری اطلاعات را ذکر کرد. تاثیرات هماهنگ با خلق بر خلاف یادگیری وابسته به حالت، به شباهت بین خلق و ماهیت مواد مورد یادگیری و یادآوری وابسته است، ولی یادگیری وابسته به حالت به این نکته اشاره دارد که اشخاص آن دسته از اطلاعات را بهتر یادآوری می کنند که آن را در حالت خلقی شبیه با حالت خلقی فعلی یاد گرفته باشند. عقیده هماهنگی خلقی نیز اشاره دارد به این که سوگیری حافظه به حالت خلقی جاری و بار عاطفی مواد مورد یادآوری یا

یادگیری، بستگی دارد. بر طبق این نظر، مواد و اطلاعات مربوط به رویدادها و حوادث، به دلیل این که بار عاطفی دارند و هماهنگی آنها با حالت خلقی و عاطفی جاری شخص، رمزگردانی و ثبت می گردند و به هنگام یادآوری نیز اطلاعاتی مورد بازخوانی از حافظه قرار می گیرند که با حالت عاطفی مسلط بیشترین هماهنگی را دارد، بهتر به یادآورده می شوند (۵).

یادآوری هماهنگ با خلق که به شباهت میان خلق و ماهیت مواد مورد یادگیری و یادآوری وابسته است در برخی پژوهش ها نشان داده شده است. به عنوان مثال دمونبرون و کرایهلد (۱۹۹۷)؛ به نقل از علیلو و عشایری (۱۳۷۳)، نشان دادند افراد افسرده همانند گروه کنترل بهنجار، در ادراک بلافاصله خود از محرک ها مشکلی نداشته اند، ولی در یادآوری بعدی است که سوگیری و تحریف اطلاعات را به شیوه ی هماهنگ با خلق از خود نشان می دهند. کلارک و تیسدیل (۱۹۸۲)، خلق افسرده و شاد را در آزمودنی های خودالقا کرده، سپس حافظه ی آنها را نسبت به وقایع واقعی زندگی گذشته شان اندازه گیری کردند. این پژوهشگران در پایان یادگیری هماهنگ با خلق را گزارش دادند (۱).

برادلی و متیوس (۱۹۸۳)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بیماران افسرده به هنگام یادآوری توصیفات آماده شده در مورد خودشان سوگیری منفی دارند.

همچنین بعضی از نظریه های پردازش هیجان، تاثیر خلق و نظریه های دیگر تاثیر شخصیت را بر پردازش هیجانی مورد بررسی قرار می دهند.

باور^۲ (۱۹۸۱) به نقل از بروین (۱۹۸۸)، تاکید دارد که حالات خلقی، تعداد و سیعی از متغیرهای شناختی، نظیر تداعی های آزاد و تعبیر محرک های مبهم را متأثر می کند. اما بیشترین تاثیر خلق، از طریق بررسی فرآیندهای حافظه ای بعد از القا آزمایشی خلق شاد یا

^۱. Processing bias

^۲. Bower

به عاطفه مزبور منجر خواهد شد.

گره های عاطفی، می تواند از طریق هر کدام از رویدادها و پدیده های مربوط فعال گردد و اگر فعال شدن به اندازه کافی قوی باشد، موجب برانگیختن واحدهای مربوطه شده و به نوبه خود الگوهای برانگیختگی خودکار، ابراز چهره ای و غیره را ایجاد خواهد کرد.

فرض های ششگانه فوق، وی را به فرض های زیر هدایت نمود:

۱. یادآوری وابسته به حالت خلقی^۴، که گویای این نکته است که بهترین یادآوری وقتی است که خلق زمان یادگیری با خلق زمان یادآوری همخوانی داشته باشد.
۲. تجانس^۵ خلقی، گویای این اصل است که اطلاعات هماهنگ هیجانی، هنگامی به بهترین نحو یاد گرفته می شوند که بین بار عاطفی آنها و حالت خلق جاری یادگیرنده، انطباق وجود داشته باشد.
۳. تجانس فکری^۶، اشاره به این مفهوم دارد که تداعی ها، تفسیرها، افکار و قضاوت های آزاد افراد به طور موضوعی تمایل دارند تا با حالت خلقی فرد سازگار شوند.
۴. شدت خلق^۷، افزایش در شدت خلق، باعث افزایش فعالیت گره های تداعی کننده در شبکه تداعی می شود (۳). ویلیامز و همکاران (۱۹۸۸)، در مورد تأثیر اضطراب و افسردگی در پردازش های هیجانی مطالعه کردند. نقطه آغاز کار آنها تمایز بین « راه اندازی^۸ و بسط^۹ بود که ابتدا توسط گراف^{۱۰} و ماندلر^{۱۱} (۱۹۸۴)، مطرح شده بود. مثلاً کلمات «ماشین آتش نشانی و گوجه فرنگی هر دو واژه قرمز را « راه اندازی می کنند (۷).

افسرده مشاهده می شود. کلارک و تیسدل (۱۹۸۲) به نقل از بروین (۱۹۸۸)، ترجمه علیلو (۱۳۷۶)، به این نتیجه رسیدند که خلق دو تأثیر جداگانه دارد: انتخاب مواد و محرک های عاطفی را جهت ورود به آگاهی تحت تأثیر قرار می دهد و همچنین میزان و چگونگی خوشایندی یا پریشان کنندگی آنها را بعد از ورود به هشیاری متأثر می سازد.

بر این اساس نظریه شبکه تداعی باور (۱۹۸۴)، (به نقل از آیزنک، ۲۰۰۰) که توسط باور و گیلیگان مطرح شده، ۶ فرض را مطرح می کند:

- هیجان ها، گره هایی در شبکه معنایی^۱ هستند که با پیوندهای چندگانه به عقاید، سیستم های فیزیولوژیکی، حوادث، عضلات و الگوهای ابراز رفتار مرتبط هستند.

- مواد هیجانی در شبکه معنایی به شکل گزاره ها^۲ یا اظهارات^۳ ذخیره می شوند.

- افکار از طریق فعال شدن گره ها در شبکه معنایی رخ می دهد.

- گره ها می توانند از طریق محرک های درونی یا بیرونی فعال شوند.

- فعالیت از یک گره فعال شده به گره های مرتبط گسترده می شوند. یعنی فعالیت یک گره هیجانی منجر به فعالیت گره های مرتبط هیجانی یا مفاهیم دیگر در شبکه معنایی می شود.

- آگاهی یا هوشیاری شامل شبکه گره های فعال شده در حد بالای آستانه است.

باور پیشنهاد می کند که هیجان ها و عواطف معینی نظیر لذت، ترس و افسردگی، گره یا واحد خاص خود را در حافظه دارند. هر نوع ارتباط تداعی با هر یک از این گره ها موجب برانگیختن اطلاعاتی در مورد واکنش های خودکار، ابراز چهره ای و برجسب کلامی،

4. Mood – state – dependent recall

5. Mood Congruity

6. Thought congruity

7. Mood Intensity

8. Priming

9. Elaboration

10. Graf

11. Mandler

1. Symantic

2. Proposition

3. Assertions

راه اندازی فرآیندی خودکار است که در آن کلمه محرک، فعالیت اجزای مختلف کلمه را در حافظه دراز مدت بر می انگیزاند. در حالی که « بسط » فرآیند راهبردی بعدی است که مستلزم فعالیت مفاهیم مرتبط است. مطابق این نظریه افراد مضطرب، « راه اندازی » اولیه محرک های مرتبط با تهدید را نشان می دهند و یک نوع سوگیری توجه نسبت به تهدید دارند (۳).

بعضی از پیش بینی هایی که توسط ویلیامز انجام گرفته، به تاثیرات اضطراب و افسردگی روی حافظه صریح^۱ و تلویحی^۲ مربوط می شود. حافظه صریح شامل یادآوری هشیار رویدادهای گذشته است و احتمالاً شامل پردازش های بسط ماهرانه^۳ می شود. در حالی که حافظه تلویحی، شامل یادآوری هوشیار نمی باشد و ممکن است اساساً به پردازش های خودکار و « راه انداز » وابسته باشد. بنابراین، افراد افسرده، سوگیری حافظه صریح را در بازیابی مواد تهدیدزا نشان می دهند. در حالی که افراد اضطرابی، سوگیری حافظه تلویحی را در مواد تهدیدزا نشان می دهند (۳).

ویلیامز و همکاران (۱۹۹۷) به نقل از آیزنک، ۲۰۰۰، از تمایزی که رودیگر^۴ (۱۹۹۰)، بین پردازش های ادراکی و مفهومی قایل شده بود بهره جستند. پردازش ادراکی، پردازش ناشی از داده^۵ هستند و اساساً پردازشهای توجه با حافظه تلویحی درگیر است. درحالیکه، پردازشهای مفهومی، پردازش های بالا - پایین هستند که بیشتر با حافظه صریح درگیر هستند. آنها اعلام کردند که اضطراب، پردازش ادراکی از محرک تهدیدزا را تسهیل می کند، در حالی که افسردگی، پردازش مفهومی اطلاعات تهدیدزا را آسان می کند. ویلیامز و همکاران پیش بینی کردند که الگوی سوگیری شناختی بین افراد

افسرده و اضطرابی متفاوت خواهد بود. که این مخالف دیدگاه بک و باور بود که هر دو وجود سوگیری شناختی کلی درحالت های هیجانی را پیش بینی می کردند (۳). در این پژوهش مقدماتی، با توجه به نظریه خبرپردازی اطلاعات و نظریه یادآوری هماهنگ با خلق به بررسی آزمایشی اثر خلق بر حافظه پرداخته می شود. با توجه به این که بر هم خوردن تعادل پردازش اطلاعات در حافظه و سوگیری منفی اطلاعات نه تنها موجب ابقا و تشدید افسردگی می شود، بلکه حتی افراد غیر افسرده را در معرض افسردگی قرار می دهد، بررسی نحوه پردازش اطلاعات و سوگیری حافظه در بیماران افسرده از بعد نظری و درمانی می تواند قابل توجه و موثر باشد و نتایج این قبیل پژوهش ها می تواند به روشن شدن موضوع بحث برانگیز تقدم شناخت بر عاطفه و یا برعکس آن کمک نماید. لذا برای حصول به این نتایج فرضیه های زیر طرح و مورد بررسی قرار گرفتند.

۱- بین گروه های مختلف مورد بررسی (افراد افسرده، القای خلق مثبت، القای خلق منفی و گروه کنترل) در یادآوری کلمات دارای بار عاطفی منفی تفاوت وجود دارد.

۲- بین گروه های مختلف مورد بررسی (افراد افسرده، القای خلق مثبت، القای خلق منفی و گروه کنترل) در یادآوری کلمات دارای بار عاطفی مثبت تفاوت وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های نیمه تجربی است که به بررسی مقدماتی اثر خلق بر حافظه پرداخته است. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت است از: ۱- مراجعین به مرکز مشاوره و درمان درمانگاه امام رضا (ع) ارسنجان در محدوده زمانی شهریورماه تا نیمه اول مهرماه ۸۰. ۲- گروهی از جمعیت عمومی شهر ارسنجان (محلّه شهرداری).

1. Explicite
2. Implicit
3. Elaborative
4. Roediger
5. Data - Driven

بیماری نزد بیماران روان پزشکی افسردگی به دست آمده است. روی هم رفته ۲۱ نشانه در آن گنجانیده شده که از پاسخ دهندگان خواسته می شود که شدت این نشانه ها را روی یک مقیاس از ۰ تا ۳ درجه بندی کنند.

این پرسش نامه توسط خود آزمودنی تکمیل می شود و برای تکمیل آن بین ۵ تا ۱۰ دقیقه وقت لازم است. یک تحلیل سطح بالا از کوشش های مختلف برای تعیین همسانی درونی نشان داده است که ضرایب بدست آمده از ۰/۷۳ تا ۰/۹۲ با میانگین ۰/۸۶ بوده است (۷).

در ایران نیز اخیراً گودرزی (۱۳۸۱)، در گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز ضریب همسانی درونی را برای این پرسش نامه گزارش داده است و روایی آن را از طریق محاسبه ضریب همبستگی آن با فرم ۱۳ سؤالی آزمون مورد بررسی و تأیید قرار داده است (۸).

۲- نرم افزار رایانه ای جهت نمایش کلمات محرک. این نرم افزار رایانه ای جهت نمایش کلمات محرک به کار گرفته شد. به این ترتیب که تعداد ۱۵ کلمه محرک دارای بار عاطفی منفی و ۱۵ کلمه دارای بار عاطفی مثبت در خزانه لغات آن ذخیره گردید و این نرم افزار رایانه ای توانایی آن را داشت که به صورت انتخابی و در هم ریخته ۵ کلمه منفی و ۵ کلمه مثبت را برای مدت ۵ ثانیه روی صفحه نمایشگر نشان داده و سپس آن را حذف نماید. همچنین در پایان آزمایش این نرم افزار کلمات نمایش داده شده را با نام آزمودنی (کد شناسایی) در فایلی مخصوص ذخیره می کرد که قابل دسترسی و چاپ بود. همچنین از هدفون بلندگوی رایانه و برنامه WINAMP جهت پخش موسیقی القا کننده خلق استفاده گردید و جهت اجرای این پژوهش مقدماتی گام های زیر برداشته شد:

۱- ابتدا از گروهی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ارسنجان (۱۵ دختر و ۱۵ پسر) که به صورت نمونه در دسترس انتخاب شده بودند، خواسته شد تا احساسات

نمونه مورد بررسی در مجموع شامل ۸ بیمار افسرده (با تشخیص پرسش نامه افسردگی بک) و ۲۴ نفر از افراد عادی بودند که با مشخصات جمعیت شناختی گروه اول جور شدند. نحوه انتخاب آزمودنی های مورد بررسی به صورت اتفاقی (نمونه در دسترس) بود. بدین ترتیب که در گروه اول از مجموع آزمودنی های مراجعه کننده به مرکز مشاوره (به جز بیماران به مواد روانگردان)، که دارای تحصیلات کلاسیک بودند خواسته شد تا پرسش نامه افسردگی بک را تکمیل نمایند.

سپس از بین آنها، کسانی که نمرات ۲۰ و بالاتر آورده بودند (افسردگی متوسط و بالاتر) انتخاب و به عنوان آزمودنی های گروه افسرده تحت بررسی قرار گرفتند. سپس با توجه به مشخصات جمعیتی این گروه سعی شد حتی المقدور گروهی همسان با مشخصات این گروه از آزمودنی های عادی، جهت گروه های سه گانه دیگر (کنترل و القای خلق مثبت و منفی) انتخاب گردند. لازم به ذکر است که قبل از اجرای آزمایش از آزمودنی های عادی نیز آزمون افسردگی بک به عمل آمد و نمرات آنها در محدوده زیر ۱۰ قرار داشت. سپس ۲۴ نفر آزمودنی عادی انتخاب شده به صورت گمارش تصادفی در سه گروه کنترل، القای خلق مثبت یا منفی، قرار گرفتند. برای اندازه گیری متغیرهای پژوهش، از وسایل زیر استفاده شده است.

۱- پرسش نامه افسردگی بک^۱

جهت سنجش میزان افسردگی آزمودنی ها از پرسش نامه بک استفاده شد. پرسش نامه افسردگی بک برای نخستین بار در سال ۱۹۶۱ توسط بک، وارد، مندلسون، ماک، و ارباف^۲ معرفی شد و بعدها در سال ۱۹۷۱ مورد تجدید نظر قرار گرفت و در ۱۹۷۸ انتشار یافت. ماده های موجود در اصل از مشاهده و خلاصه کردن نگرش ها و نشانه های

¹. Beck Depression Inventory (BDI)

². Ward, Mendelson, Mack, Erba

کدام به مدت ۵ ثانیه، از طریق رایانه نمایش داده می شد و حذف می گردید. هیچ توضیح دیگری به آزمودنی ها داده نمی شد. بعد از اتمام آزمایش ابتدا شمارش معکوس ارقام داده می شد سپس یک برگ یادداشت به آزمودنی ها ارایه می گردید و گفته می شد که هرچه از کلمات دیده شده در حین آزمایش را به یاد می آورند، یادداشت نمایند (برای هر کلمه یادآوری شده یک نمره داده می شد).

۵- جهت القای خلق مثبت یا منفی از همان روش گروه افراد افسرده استفاده شد ولی در حین اجرای آزمایش، قطعه موسیقی انتخابی مثبت یا منفی از طریق هدفون برای آزمودنی ارایه می گردید.

۶- افراد گروه کنترل نیز با همان روش گروه های قبل مورد بررسی قرار گرفتند ولی موسیقی برای آنها پخش نگردید.

یافته های پژوهش (نتایج)

مطابق طرح پژوهش، داده های به دست آمده در قالب دو طرح تحلیل واریانس یک عاملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که به صورت خلاصه ارائه می گردد، ولی قبل از آن مشخصات جمعیت شناختی شرکت کنندگان مورد بررسی قرار گرفته است.

مثبت و منفی خود را به صورت مجزا در قالب کلمات در فرم مخصوصی وارد نمایند. در انتها از مجموع کلمات به دست آمده آنهایی که دارای بیشترین فراوانی بودند به عنوان کلمات محرک انتخاب گردیده و در خزانه لغات نرم افزار رایانه ای جهت نمایش ذخیره گردید

۲- تعداد ۶ قطعه موسیقی (۳ قطعه غمگین و ۳ قطعه شاد) برای گروهی از افراد جمعیت عمومی ارسنجان (ساکن محله شهرداری) که همگی مذکر بودند پخش و از آنها خواسته شد تا غمگین ترین و شاد ترین موسیقی را برگزینند. در نهایت موسیقی های انتخابی که بیشترین فراوانی را داشتند جهت القای خلق مثبت و منفی مورد استفاده قرار گرفتند.

۳- بعد از انتخاب آزمودنی های گروه افسرده، در محل درمانگاه امام رضا (ع) ارسنجان (دفتر روان شناس)، که گمان می رفت شرایط استاندارد از لحاظ روان سنجی داشته باشد، آزمودنی ها تحت آزمایش قرار گرفتند.

۴- اجرای انفرادی آزمودنی های گروه های مختلف به این ترتیب بود که از آزمودنی خواسته می شد تا در مقابل نمایشگر رایانه بنشیند و صفحه نمایش را برای خود تنظیم نماید. ۳ دقیقه بعد کارت های محرک هر

جدول شماره ۱- ویژگی های جمعیت شناختی آزمودنی های گروه های چهار گانه مورد بررسی بر اساس جنسیت، سن و میزان تحصیلات

ویژگی ها	گروه ها		افسرده		القای خلق مثبت		القای خلق منفی		کنترل
	دختر	پسر	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
جنس	دختر	پسر	۳۷/۵	۳	-	-	-	-	-
			۶۲/۵	۵	۱۰۰	۸	۱۰۰	۸	۱۰۰
سن (سال)	۱۷-۲۹		۳۷/۵	۳	۵۰	۴	۳۷/۵	۳	۲۵
	۲۰-۲۲		۲۵	۲	۲۵	۲	۲۵	۲	۳۷/۵
	۲۳ و بالاتر		۳۷/۵	۳	۲۵	۲	۳۷/۵	۳	۳۷/۵
میزان	سیکل		۳۷/۵	۳	۵۰	۴	۵۰	۴	۳۷/۵
	دبیرستان و دیپلم		۵۰	۴	۳۷/۵	۳	۵۰	۴	۵۰
	فوق دیپلم		۱۲/۵	۱	۱۲/۵	۱	-	-	۱۲/۵

تحلیل واریانس تک عاملی مندرج در جدول شماره ۳ اثرات مستقیم عامل خلق را در یادآوری واژه های منفی نشان می دهد.

بر این اساس، میزان F محاسبه شده (۶/۰۱) از میزان F مبین جدول بزرگتر است و لذا تفاوت میان گروه ها در یادآوری کلمات منفی در سطح (P<۰/۰۱) پایا است.

این مطلب نشان می دهد که بین گروه های چهارگانه مورد بررسی از لحاظ یادآوری کلمات محرک منفی تفاوت وجود دارد.

در بررسی تفاوت ها به وسیله آزمون تعقیبی شفه، مشاهده گردید که تفاوت گروه افسرده با گروه القای خلق شاد در سطح (P<۰/۰۱)، گروه القای خلق افسرده با گروه القای خلق شاد در سطح (P<۰/۰۵) و گروه خلق شاد با سه گروه دیگر در سطح (P<۰/۰۵) پایا می باشد.

جدول شماره ۴- نتایج تحلیل واریانس تک عاملی نمرات مربوط به یادآوری محرک های دارای بار عاطفی مثبت

منابع تغییرات	ss	df	MS	F	P
بین گروه ها	۵۱/۶۲۵	۳	۱۷/۲۰۸		
درون گروه ها	۸۴/۲۵۰	۲۸	۳/۹۰۰	۵/۷۱۹	۰/۰۱
مجموع	۳۵/۸۷۵	۳۱			

تحلیل واریانس تک راهی اثرات مستقیم عامل خلق در یادآوری واژه های مثبت نشان داد که میزان F محاسبه شده (۵/۷۱۹) از میزان F مبین جدول بزرگتر است و لذا تفاوت در سطح (P<۰/۰۱) پایا است (به جدول ۴ نگاه کنید). این بدان معنا است که بین گروه های چهارگانه مورد بررسی از لحاظ یادآوری کلمات محرک مثبت (القا کننده خلق شاد) تفاوت وجود دارد.

در بررسی تفاوت ها به وسیله آزمون تعقیبی شفه، مشاهده گردید که تفاوت نمرات یادآوری گروه افسرده

ویژگی های جمعیتی آزمودنی های گروه های مختلف در جدول شماره ۱ درج شده است. بر این اساس، نسبت جنسیت تنها در گروه آزمودنی های افسرده لحاظ گردیده است. از لحاظ سن، آزمودنی ها اغلب در گروه های سنی (۱۷ تا ۲۲) سال قرار داشتند. از لحاظ وضعیت تحصیلی نیز آزمودنی ها در ۳ گروه تحصیلی راهنمایی، دبیرستانی، دیپلم و فوق دیپلم قرار داشتند. جدول شماره ۲- میانگین و انحراف معیار نمرات یادآوری کلمه های محرک دارای بار عاطفی مثبت یا منفی در گروه های مورد بررسی

گروه ها	منفی		مثبت	
	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
افسرده	۲/۴۹	۷/۲۵	۱/۱۳	۴/۱۳
القای خلق منفی	۲/۴۵	۶/۵۰	۱/۳۹	۳/۷۵
القای خلق مثبت	۳/۲۵	۳/۲۵	۲/۲۰	۵/۳۸
کنترل	۶/۳۸	۶/۳۸	۲/۰۰	۷/۰۰

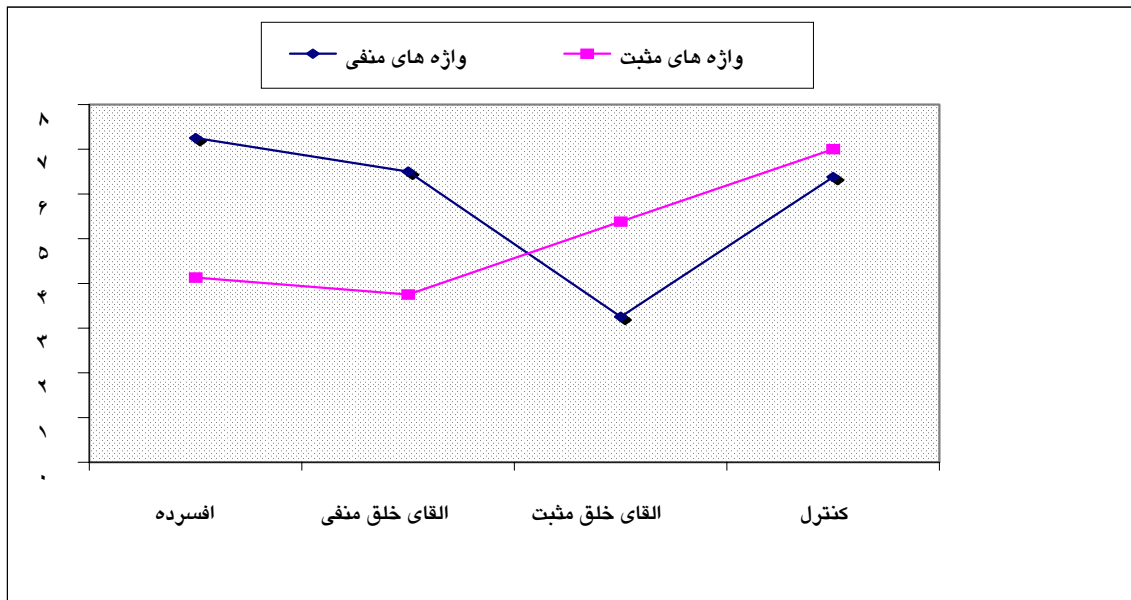
جدول شماره ۲ میانگین و انحراف معیار نمرات یادآوری واژه های مثبت و منفی را در گروه های مورد بررسی نشان می دهد. در یادآوری کلمه های دارای بار عاطفی مثبت بالاترین میزان یادآوری مربوط به گروه القای خلق شاد (۵/۳۸) و پایین ترین فراوانی مربوط به گروه القای خلق منفی (۳/۷۵) می باشد. در یادآوری کلمات دارای بار عاطفی منفی نیز بالاترین میزان یادآوری مربوط به افراد افسرده می باشد.

جدول شماره ۳- نتایج تحلیل واریانس تک عاملی نمرات مربوط به یادآوری محرک های دارای بار عاطفی منفی

منابع تغییرات	ss	df	MS	F	P
بین گروه ها	۷۵/۳۴۴	۳	۲۵/۱۱		
درون گروه ها	۱۱۶/۸۷۵	۲۸	۴/۱۷۴	۶/۰۱	۰/۰۱
مجموع	۱۹۲/۲۱۹	۳۱			

نمودار شماره ۱، میانگین تعداد کلمات محرکی یادآوری شده مثبت و منفی را در گروه های چهارگانه مورد بررسی نشان می دهد.

با گروه کنترل در سطح ($P < 0/05$)، تفاوت نمرات یادآوری گروه القا خلق افسرده با گروه کنترل در سطح ($P < 0/01$) پایا می باشد.



نمودار شماره ۱- میانگین نمرات شرکت کنندگان گروه های مورد بررسی در یادآوری کلمات محرک دارای بار عاطفی مثبت و منفی.

بحث

گروه های دیگر سوگیری هماهنگ با خلق داشتند و همان گونه که مشاهده گردید اثر مستقیم عامل خلق بر تفاوت های موجود در یادآوری واژه ها را نشان می دهد. یافته های این پژوهش علاوه بر این که رابطه عاطفه با شناخت را مورد تأیید قرار می دهد، موید نظریه یادآوری هماهنگ با خلق نیز می باشد. بر اساس این نظریه، به هم خوردن پردازش اطلاعات در حافظه به نفع و در جهت اطلاعات منفی و ناخوشایند نه تنها موجب ابقاء و تشدید افسردگی می شود، بلکه حتی افراد غیرافسرده را در معرض افسردگی قرار می دهد.

بر اساس نتایج این بررسی مقدماتی، افراد افسرده به محرک ها و رویدادهای منفی توجه بیشتری دارند و می توان گفت که ادراک بازخوردهای محیطی نقش مهم تری از خود محرک در شناخت افراد افسرده دارد.

بر اساس نظریه های شناختی افسردگی (بک، ۱۹۶۷؛ کویپر و دری، ۱۹۸۲؛ بلینی، ۱۹۸۶) و پژوهش های اخیر، افراد افسرده تمایل به سوگیری منفی حافظه هستند و در مقایسه با افراد غیرافسرده، تمایل کمتری به یادآوری اطلاعات مثبت و تمایل بیشتری به یادآوری اطلاعات منفی دارند. سوگیری منفی حافظه، تأثیر عمومی سوگیری منفی را منعکس می کند. به عبارتی با در نظر آوردن این مساله که خودانگاره شخصی، پردازش اطلاعات را هدایت می کند و این مساله که خودانگاره افراد افسرده نسبتاً محتوای منفی دارد، خودانگاره این افراد موجب می شود تا اطلاعات منفی درباره خودشان و دیگران را بهتر به یاد آورند. همسو با موارد فوق، بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش، تحلیل واریانس، بیماران افسرده در مقایسه با

اثر تسهیلی دارند. البته بر اساس نتایج به دست آمده، تفاوت گروه خلق شاد با گروه کنترل موافق فرضیه پژوهشی نمی باشد.

این یافته با این عقیده که «خلق شاد بیشتر از آن که موجب سهولت به یادآوردن مواد مثبت در حافظه شود، دستیابی به واژه های منفی را مشکل می کند»، هماهنگ می باشد که البته نیازمند پژوهش های تکمیلی در این زمینه است.

به طور خلاصه بر اساس نتایج بررسی حاضر سوگیری حافظه می تواند به عنوان یک ویژگی بارز در افراد افسرده باشد. همچنین این فرض که خلق القا شده، موجب تسهیل یادآوری اطلاعات هماهنگ با خود می باشد، تأیید گردید.

همچنین نتایج این بخش از پژوهش تا حدودی به روشن نمودن موضوع تقدم شناخت بر عاطفه و بر عکس آن کمک می کند. بک (۱۹۷۶)، و سایر نظریه پردازان شناختی، عاطفه را امری پس شناختی می دانند و ماهیت پاسخ عاطفی را وابسته به ارزیابی شناختی فرد از رویداد و محرک می دانند. از طرفی برخی نظریه پردازان مانند زایونک و همکاران (۱۹۸۰)، پاسخ عاطفی را مقدم بر بعد عاطفی آن می دانند، زیرا پاسخ عاطفی به صورت خودکار صورت می گیرد.

نتایج دیگر پژوهش، با اطمینان بالایی ($P < 0/01$) تفاوت مشاهده شده در یادآوری واژه های مثبت و منفی را ناشی از عامل خلق القا شده می داند، و نیز گواهی است بر این نکته که ساختارهای پردازش عاطفی محرک ها،

منابع

- ۶- پورافکاری، ن الف. فرهنگ جامع روان شناسی و روان پزشکی. تهران: فرهنگ معاصر. ۱۳۷۶.
- ۷- مارنات، گرات، گ. راهنمای سنجش روانی. ترجمه حسن پاشاشریفی و محمد رضا نیکخو (۱۳۷۴). تهران: انتشارات رشد. ۱۹۹۰.
- ۸- گودرزی، م ع. «بررسی روایی و پایایی مقیاس نومییدی بک در گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره ۱۷، شماره اول (۳۲)، ۹، ۱۳۸۰- بک، آ.ت. شناخت درمانی و مشکلات روانی. ترجمه؛ مهدی قراچه داغی. تهران: انتشارات ویس. ۱۳۶۹.
- ۹- بک، آ.ت. شناخت درمانی و مشکلات روانی ترجمه؛ مهدی قراچه داغی. تهران: انتشارات ویس ۱۳۶۹

- ۱- محمود علیلو، م. عشایری، ح. «بررسی آزمایشی اثر خلق بر حافظه». مجله پژوهش های روان شناختی، شماره ۲، ۱۳۷۳، ص ۲۵-۱۱.
- ۲- بروین، کریس. بنیادهای شناختی روان شناسی بالینی. ۱۳۷۶. ترجمه مجید محمود علیلو، و عباس بخشی پور و حسن صبوری مقدم. تبریز: انتشارات روان پویا.
3. Eysenck, M.W: Cognitive Psychology: a Student Handbook. Hove, Psychology Press, UK:.
4. Beck, A.T., Clark, D.A.: Anxiety and Depression, An Information Processing Perspective. Anxiety Research. 1988;1:13-36.
5. Beck, A., T., Hollon, S., D., Young, J., E., Bedrosian, R.C., And Budenz, D.: Treatment of depression with cognitive therapy and amitriptyline. Archives of general psychology. 1985

11. Durand, U.M., Barlow, D.M. Abnormal Psychology. An Introduction Pacific Grove CA: Brooks Cole.1997.

12. Blaney, Paul.H. Affect and memory. Psychological Bulletin, 99-(2)1986:229-246.

10. Holifield, M., Katon, W., Spain, D and Pule, L. Anxiety and depression in a village of lesotto, A comparison with the united states. British Journal of Psychiatry. 156;1990:343-350.;42:142-8.

Archive of SID